

## رابطه ضمانت اجرای بین‌المللی با اصل شخصی بودن مجازات

سید محمد موسوی\*

### چکیده

در حقوق داخلی شخص مجرم موضوع ضمانت اجرا قرار می‌گیرد؛ اما موضوع ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل اشخاص حقوقی از جمله دولت و یا سازمان بین‌المللی می‌باشند. از مهم‌ترین ضمانت‌های اجرای حقوق بین‌الملل، ضمانت‌های دیپلماتیک و سیاسی، ضمانت اجرای اقتصادی، ضمانت اجرای افکار عمومی و ضمانت‌های اجرای نظامی را می‌توان نام برد. شیوه و دامنه استفاده از برخی ضمانت‌های اجرا به لحاظ تسری آثار آنها به غیر تابعان محل تأمل و بحث می‌باشد. عدالت اقتضا می‌کند که بر اساس اصل شخصی بودن کیفر، مجازات منحصراً دامن‌گیر شخص بزهکار شده و به نزدیکان و اقربای او سرایت نکند. ضمانت‌های اجرای حقوق بین‌المللی محدود کننده حقوق سیاسی و اقتصادی مندرج در ماده ۴۱ منشور ملل متحد، در صورتی با اصل شخصی بودن مجازات، منافات ندارد که هدفمند بوده و با هوشمندی منحصراً حوزه‌های مرتبط با سیاست‌های عمومی دول و نه منافع شخصی اتباع را هدف قرار دهد و معارض حقوق بشردوستانه بین‌المللی نباشند. اما ضمانت اجرای مقرر در ماده ۴۲ منشور که توسل به قدرت نظامی علیه دولت متخلف است، به نظر می‌رسد با اصل شخصی بودن مجازات منافات داشته باشد زیرا این نوع ضمانت اجرا باید تنها علیه دولت متخلف از مقررات بین‌المللی اعمال گردد نه افراد جامعه. اما ضمانت‌های اجرای سازمان‌های بین‌المللی، به لحاظ منافع مشترک و به نفع خود اعضا است که از طریق روابط و اقدامات متقابل صورت می‌گیرد که پشتوانه مهم برای حقوق بین‌الملل و ضمانت اجرای آن است که با اصل شخصی بودن مجازات چندان ارتباطی ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** ضمانت، اجرا، ضمانت اجرا، بین‌المللی، اصل شخصی، مجازات

## مقدمه

اجرای قواعد حقوقی نیازمند تدابیری است که با پشتوانه آن، در موارد تخلف از قانون، از سوی جامعه عکس‌العمل متناسبی مد نظر گرفته شده باشد، و از سوی دیگر عکس‌العملی که در قبال قانون شکنی افراد در نظر گرفته می‌شود با اصل شخصی بودن مجازات سازگاری داشته باشد. سؤال این است که آیا ضمانت اجراهای که در جامعه بین‌المللی هست با توجه به این‌که عمدتاً ضمانت اجراهای بین‌المللی نسبت به دولت‌های متخلف قابلیت اجرا را دارد، با اصل شخصی بودن مجازات منافات ندارد؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا مفاهیم عنوان مقاله توضیح داده می‌شود سپس ضمانت اجراهای بین‌المللی را بیان می‌کنیم اعم از ضمانت اجراهای کیفری و غیر کیفری تا بدانیم ضمانت اجراهای بین‌المللی دارای چه خصوصیت‌اند؟ و چه‌گونه اجرا می‌شوند؟ به دنبال این بحث، اصل شخصی بودن بررسی می‌شود و انگهی رابطه ضمانت اجراهای بین‌المللی با اصل شخصی بودن مجازات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## الف: مفاهیم

### ۱) ضمانت

ضمانت در لغت به زمین‌گیری و اجرا به راندن معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۴۲: ج ۱/۳۶۷). و در اصطلاح حقوقی؛ ضمانت اجرا عبارت است از حمایت مراجع رسمی در اعمال قانون و عرف (جعفری لنگرودی: ۱۳۷۸، ج ۳، ۲۴۲۰). به طوری که برای اطمینان از اجرای هر قاعده حقوقی تدابیری نیاز است که بر اساس آن‌ها عکس‌العمل متناسبی در مورد تخلف از اجرای قواعد مزبور از سوی جامعه در نظر گرفته می‌شود که همین امر پشتوانه اجرای مقررات حقوقی می‌باشد (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۲۱ و ۲۲). ارتباط معنای لغوی با اصطلاحی در این است که وقتی یک قاعده به طور کامل اجرا می‌شود تشابه زیادی با زمین‌گیری دارد، چون دست و پای انسان را بسته است و افراد حق تخطی ندارند.

### ۲) حقوق بین الملل

حقوق بین‌الملل، شاخه‌ای از علم حقوق، شامل قواعد حاکم بر آن دسته از روابط افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها است که دارای حداقل یک عنصر خارجی و بین‌المللی باشند (نبیل ابراهیم و منصور: ۱۹۹۵: ج ۱/۶۴). به دیگر بیان، حقوق بین‌الملل متکفل بحث در همه مواردی است که رابطه حقوقی و قاعده حاکم بر آن حداقل به دو دولت ارتباط می‌یابد (احمد مسلم، ۱۹۵۶: ج ۱/۷-۹). حقوق بین‌الملل به دو شاخه تقسیم می‌شود: حقوق بین‌الملل عمومی، که به مناسبات بین‌المللی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و افراد، از آن حیث که به حاکمیت مربوط می‌شوند می‌پردازد (مقتدر: ۱۳۸۳: ج ۱، ۳ و موسی‌زاده: ۱۳۸۳: ج ۱، ۶-۷). و حقوق بین‌الملل خصوصی که مناسبات خصوصی اشخاص (حقیقی و حقوقی) را در سطح زندگی بین‌المللی تنظیم می‌کند (صفایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۲؛ و مدنی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۸). که در این نوشتار به ضمانت اجراهای بین‌المللی پرداخته می‌شود.

### ۳) اصل

اصل در لغت به معنای ریشه و اساس هر چیز است «أصلُ كلِّ شيءٍ ما يَسْتَنْدُ وجودُ ذلكَ الشيءِ إليه. فالأبُّ أصلُ الولد» (واسطی زبیدی: ۱۴۱۴:ج۱۸/۱۴). به عبارت دیگر؛ اصل قاعده‌ی چیزی است که قوام و ثبات شیء بواسطه اصل آنست «أصلُ الشيء: قاعدته التي لو توهّمت مرتفعة لارتفع بارتفاعه سائرُه لذلك» (اصفهانى، ۱۴۱۲: ۷۹).

### ۴) شخص

شخص به افراد انسان گفته می‌شود که متمایز از سایر افراد است «الشَّخْصُ: سواد الإنسان إذا رأته من بعيد، و كل شيء رأيت جسمانه فقد رأيت شَخْصَهُ، و جمعه: الشُّخُوصُ و الأشْخَاصُ» (فراهیدی، ۱۴۱۰:ج۱۶۵/۴). تمایز ظاهری افراد به واسطه مشخصات ظاهری آنست که از سایر افراد متمایز می‌گردد «و شَخْصَ سهمه، و بصره، و أشْخَصَهُ صاحبه» (اصفهانى، ۱۴۱۲: ۴۴۷).

### ۵) اصل شخصی بودن مجازات‌ها

اصل شخصی بودن مجازات‌ها، یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق کیفری به شمار می‌رود، به‌موجب این اصل فقط شخص مرتکب جرم، مسئولیت کیفری دارد و به مجازات می‌رسد. و این اصل دارای ریشه‌های قرآنی است، که این اصل را صراحتاً در آیات متعددی آورده است، «و لا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام/۱۶۴) «هیچ‌کس جرمی نمی‌کند مگر آن‌که زیان آن بر او است، و هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد». بر این اساس قرآن کریم، دیگران را حتی اگر از افراد خانواده بزه‌کار باشند، بری از مسئولیت کیفری می‌داند و صد البته این عدالت‌پذیری و عدالت‌گستری اسلام است.

### ب: پیشینه تاریخی اصل شخصی بودن مجازات

اصل شخصی بودن مجازات‌ها، یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق کیفری محسوب می‌گردد. منظور از اصل شخصی بودن اینست که عدل و انصاف اقتضاء می‌کند که مجازات منحصرأً دامنگیر شخص مجرم شده و به نزدیکان و اقربای او سرایت نکند. گرچه به صورت ناخواسته و غیرمستقیم، مجازات مجرم می‌تواند نسبت به خانواده او تأثیر ناخوش‌آیندی داشته باشد کسی که به زندان یا اعدام محکوم می‌گردد، یا دستش به عنوان قصاص قطع می‌شود بدون تردید خانواده‌اش از فقدان او و نقصی که بر اعضای وی وارد گردیده از نظر روحی دچار تشویش، نگرانی و ناامنی و از نظر اقتصادی با مشکلات معیشتی روبرو می‌شوند و در این موارد مجازات به شکلی غیرمستقیم آنها را نیز متأثر می‌سازد و در نتیجه اصل شخصی بودن محدود می‌گردد. در جوامع اولیه و حتی در جوامع سده‌های اخیر، مسئولیت فردی و اصل شخصی بودن اصلاً مطرح نبود و اگر کسی مرتکب جرمی می‌شد تمام اقوام و اعضاء خانواده در مقابل جرمی که یک نفر انجام داده بود مسئولیت داشتند و در مناطقی که مردم بصورت قبیله و طایفه‌ای زندگی می‌کردند اگر فردی از یک

قبیله فردی از قبیله دیگر را می‌کشت، قبیله مقتول این حق را برای خود قائل می‌شد که بتوانند بر علیه قبیله قاتل وارد جنگ شده و تمامی آنها را از دم تیغ بگذرانند (شامبیاتی، ۱۳۸۲: ج ۲/۲۹۰).

در حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح، پادشاه بابل، مجمع القوانین حمورابی را اعلام کرد، بر روی قطعه سنگی در مرکز شهر بابل حک نمود و در معرض دید مردم قرار داد. به گفته مورخان، این مجموعه، از قوانین سومری و مجموعه‌ی قوانین «اشنونا» که شاید دو قرن قبل از حمورابی بوده، اقتباس شده است؛ در این مجموعه مقرراتی به چشم می‌خورد که به موجب آن در برخی موارد، فرزندان مجرم به جای وی مجازات می‌شدند. مورخان معتقدند که با توجه به مشابهت قوانین ایران باستان با قوانین حمورابی، در ایران باستان نیز مسئولیت در قبال اعمال دیگران وجود داشته و اعضای خانواده مجرم نیز دارای مسئولیت کیفری بوده‌اند. اگر کسی در نظر پادشاه مجرم شناخته می‌شد فرزندان او هم مسئولیت پیدا می‌کرد و از اصل شخصی بودن خبری نبود. (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۵۶ و ۱۵۷). در اروپا نیز در جریان انقلاب کبیر فرانسه، جمعی بودن مجازات مورد انتقاد شدید فلاسفه و حقوق دانان قرار گرفت تا بالاخره در سال ۱۷۹۱م با تصویب قانون جزایی فرانسه، اصل شخصی بودن مجازات‌ها مورد قانون‌گذاری قرار گرفت و از این طریق به قوانین سایر کشورهای اروپایی راه یافت (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۵۸). گاهی اوقات کوچک‌ترین مسأله باعث می‌شد که بین دو قبیله سال‌ها جنگ و خون‌ریزی بر پا شود و صدها و هزاران نفر نابود شوند و معتقد بودند که خون را بایستی با خون جواب داد، یا این که خون تنها با خون شسته شده و از بین می‌رود (ساک، ۱۳۹۳: ج ۱۸۳-۱۷-۳۰: ۱۳۶۵: ساکت).

دین مقدس اسلام، چهارده قرن قبل به این روش زشت و نکوهیده جوامع بشری خط بطلان کشید و اصل شخصی بودن مجازات را بوجود آورد. قرآن هرکسی را مسئول اعمال خود دانسته و اصل شخصی بودن مجازات را صراحتاً در آیات متعددی تبیین نموده است به عنوان مثال، خداوند می‌فرماید: «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره/۲۸۶)؛ خدا هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند هرکس عمل شایسته انجام داده به سود اوست و هرکس مرتکب کار زشتی شده به زیان اوست. در آیه دیگر بیان می‌کند: «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام/۱۶۴). «هیچ‌کس جرمی نمی‌کند مگر آن‌که زیان آن بر او است، و هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد». و آیه «كُلُّ امْرِيٍّ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ» (طور/۵۲/۲۱) هرکس در گرو اعمال خویش است. بر این اساس قرآن کریم، دیگران را حتی اگر از افراد خانواده بزه‌کار باشند، مبری از مسئولیت کیفری می‌داند که اجرای مجازات در اسلام بر اساس قسط و عدالت است. بنابراین، اصل اولیه در مسئولیت کیفری بر اساس آیات قرآن؛ شخصی بودن آن است که دانشمندان علم حقوق، بعد از چند قرن از نزول قرآن، بدان رسیده و این اصل، در آیاتی مذکور به صراحت بیان شده است. که اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها به رسمیت شناخته شده است.

در نظام کیفری اسلامی، یکی از مجازات‌های که فقط بر شخص مرتکب تحمیل می‌شود، مجازات شلاق است و در بیش‌تر موارد چه در حدود و چه در تعزیرات، این مجازات پیش‌بینی شده است. در کشورهای اسلامی از جمله کشورهای ایران و افغانستان با الهام از تعالیم حیات بخش اسلام اصل شخصی بودن مجازات به رسمیت شناخته شده است؛ در قانون اساسی ایران، اصل شخصی بودن جرم و مجازات به صورت صریح پیش‌بینی نشده است؛ اما قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) در ماده ۵ این اصل پیش‌بینی شده بود: «تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مباشر، شریک و معاون جرم خواهد بود». این ماده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲)، احتمالاً حذف شده است. اما این اصل مهم در قانون اساسی افغانستان به صراحت پذیرفته شده است: «جرم یک عمل شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگر سرایت نمی‌کند» (قانون اساسی، ۱۳۸۲: ماده ۲۶). نیز در قانون جزا آمده است: «شخص از جرمی که نتیجه عمل جرمی او نباشد مسئول شناخته نمی‌شود» (قانون جزا، ۱۳۵۵: بند ۱ ماده ۲۸).

### **ج: تفاوت ضمانت اجرا در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل.**

عدم برخورداری از یک نهاد سازمان یافته و روش‌های حقوقی لازم موجب شده است که حقوق بین‌الملل نتواند خود را با تحولات جامعه بین‌الملل و نیازهای آن وفق دهد (موسی‌زاده: ۱۳۷۶: ۹). فقدان قوه مقننه در حقوق بین‌الملل و نیز فقدان ضمانت‌های اجرایی بین‌المللی از قبیل فقدان روش‌های قضایی تعهدآور و اجباری و نیز فقدان قوه اجرایی متمرکز برای اعمال آراء قضایی باعث ضعف در حقوق بین‌المللی محسوب می‌شود (آکهرست مایکل، ۱۳۷۳: ۷).

ضمانت اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بر خلاف حقوق داخلی که شخص مجرم موضوع آن قرار می‌گیرد، عمومی بوده و عطف به کل می‌گردد. مثلاً اعمال خلاف حقوق بین‌الملل وزیر امور خارجه یک کشور و یا دبیر کل یک سازمان بین‌المللی موجب می‌گردد که به جای اشخاص فوق، کشور و یا سازمان بین‌المللی مربوط عهده‌دار مسئولیت گردند. علاوه بر این ضمانت اجرا در حقوق داخلی به شکل قوانین کیفری متجلی می‌شود در حالی که در حقوق بین‌الملل جز در موارد استثنایی و بر طبق قرارداد خاص، شامل، اقداماتی از طرف مدعی به منظور احقاق حق خویش می‌گردد. علت این امر عدم وجود قدرت قضائی یا اجرائی مافوق کشورهاست و بدین جهت کشورها به عنوان ارکان قضاوت، رفتار قانونی و یا غیر قانونی یکدیگر را تشخیص داده و در صورت نقض حقی از آنان، به‌منظور جبران و حفظ حق، به اقدامات لازم مبادرت می‌نمایند. (گنجی، ۱۳۴۸: ۳۸).

در حقوق بین‌الملل کیفری تعهد به همکاری در حقوق بین‌الملل کیفری، یک تعهد بین‌المللی ویژه دولت‌ها بوده و براساس ماده یک پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی (۲۰۰۱) تخلفات دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی آنان را به دنبال دارد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در مقدمه، پاراگراف شش، اعلام می‌دارد: «وظیفه هر یک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب

جنايات بين‌المللی هستند، اعمال نمایند». علاوه بر این، مسئولیت‌های منبعث از تعهد به هم‌کاری دولت‌ها با یکدیگر (براساس موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی) و با دیوان‌های کیفری بین‌المللی بر اساس اساسنامه‌های این دیوان‌ها، ویژه دولت‌ها بوده و افراد در این موضوع، فاقد تعهد و مسئولیت می‌باشند. از سویی دیگر، حقوق بین‌الملل کیفری مبتنی بر اصل مسئولیت کیفری فردی بوده و قواعد این حوزه از حقوق بین‌الملل برخلاف حقوق بین‌الملل عام، افراد را در برابر مقررات خود، دارای تعهد و مسئولیت می‌شناسد. بدین ترتیب در حقوق بین‌الملل کیفری، دو مسئولیت بین‌المللی از همدیگر قابل تفکیک می‌باشد (دلخوش، ۱۳۹۰: ج ۱/ ۱۴۷). مسئولیت نخست، مسئولیت کیفری فردی، نامبرده می‌شود، مربوط به مرتکبان هر یک از جنايات شناسایی شده در حقوق بین‌الملل بوده و مسئولیت دوم، مختص به دولت‌ها می‌باشد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری به جهت عدم ایفای تعهدات موجود در مقررات این شاخه از حقوق مطرح می‌گردد. از جمله تعهدات مسئولیت آور برای دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری، تعهدات موجود در فصل نهم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تعهد به هم‌کاری دولت‌ها می‌باشد. تخلفات از مقررات حقوق بین‌الملل کیفری براساس ویژگی‌های مقررات نقض شده از درجات شدت متفاوتی برخوردار بوده و مسئولیت‌های ناقضان این تعهدات نیز به همین ترتیب، گوناگون می‌باشد (دلخوش، ۱۳۹۰: ج ۱/ ۱۷۴).

#### **د: ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل**

اصولاً حقوق موضوعه بدون وجود ضمانت اجرای مادی که هدفش تضمین رعایت آن باشد قابل تصور نیست. اگر قاعده حقوقی فاقد ضمانت اجرا باشد، خصوصیت موضوعه بودن از آن گرفته می‌شود. در نتیجه ضمانت اجرا جزء تفکیک ناپذیر قاعده حقوقی است. تحقق ضمانت اجرا در هر نظام حقوقی، منوط به ایجاد دو عنصر است؛ ۱- عنصر قانونی که همان تدابیر پیش بینی شده در متن قانون است که در قبال نقض مقررات حقوقی در نظر گرفته می‌شود. ۲- قدرت اجرایی برتر بر نیروهای جامعه (اعم از جامعه داخلی یا بین‌المللی) که برای تضمین اجرای حقوق، نیاز به قدرتی است که در سطح کل جامعه توان برخورد با هر قدرت متمرّدی را داشته باشد و بتواند مجازات‌های پیش بینی شده را جامعه عمل بپوشاند (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۲۲).

ضمانت اجرای قوانین بین‌المللی مبتنی بر پایه‌ی وفاق عام دولت‌ها و مشروط به حسن نیت دولت‌ها است، زیرا رشد و توسعه هر یک از کشورهای عضو جامعه بین‌المللی مستلزم هم‌کاری سازمان یافته آن‌ها در سطحی فراتر از منافع ملی می‌باشد به شرط آن‌که این هم‌کاری بر اساس اصولی باشد که ضامن منافع جمع و حاصل وجدان مشترک جامعه بشری باشد حال اگر کشوری اصول و قواعد حقوق بین‌الملل را زیر پا نهاد، تخلفی محسوب شده که عکس‌العملی را اقتضا می‌نماید پس قواعد و مقررات حقوقی نیازمند ضمانت اجرایی می‌باشند تا از اجرای آن‌ها اطمینان حاصل گردد که شکل‌گیری و تکوین قواعد حقوق بین‌المللی یا از مجرای آن، صورت می‌گیرد یا از طریق اعتبار بخشیدن به معاهدات بین‌المللی که قواعدی الزام‌آور برای امضا کنندگان آن ایجاد می‌کند. در فقدان یک قدرت متمرکز در جامعه بین‌المللی اراده تابعان حقوق

بین‌الملل است که اساس تعهدات آن‌ها را شکل می‌دهد و به عنوان قانون حاکم میان طرفین اقتدار می‌بخشد. از این رو در میان خود به وضع مقررات متناسب با آن‌ها پرداخته و رعایت آن‌ها را میان خود مقرر و الزامی می‌نمایند (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۲۳).

جرم و جنایت در حقوق بین‌الملل کیفری همزمان با جهانی شدن مفاهیم بنیادین حقوق بشری شامل تعهدات و تکالیف جهانی دولت‌ها جهت رعایت مقررات ناظر بر کرامت نوع بشر، مفهوم سستی مسئولیت بین‌المللی نیز تغییر یافته و به دو دسته کلی (مسئولیت ناشی از جنایت بین‌المللی) و (مسئولیت ناشی از جرم بین‌المللی) تقسیم بندی گردید؛ و همین موضوع نیز در کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه مانند (کد جرائم علیه صلح و امنیت نوع بشری) و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تجلی یافت (دلخوش، ۱۳۹۰: ج ۱/۱۴۸). جنایت بین‌المللی به معنای نقض آن دسته از قواعد است که موجب مسئولیت کیفری شخصی برای فاعل آن می‌گردد (آنتنیو کسه، ۱۳۸۷: ج ۱/۲۷).

بند دوم ماده ۱۹ پیشنهادی طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۱۹۸۰) بیان می‌داشت: «چنانچه تخلف بین‌المللی دولت ناشی از نقض تعهدی بین‌المللی باشد که رعایت آن برای صیانت از منافع اساسی جامعه بین‌المللی آن‌چنان ضروری است که نقض آن از سوی جامعه بین‌المللی به طور کلی جنایت شناخته می‌شود در آن صورت تخلف مزبور، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عدم اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی کیفری محسوب می‌گردد».

بند سوم ماده ۱۹ این پیشنهادی نیز اعلام نموده بود: جنایت بین‌المللی می‌تواند ناشی از موارد ذیل باشد: ۱- نقض خطیر تعهد بین‌المللی که برای صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد به منع تجاوز. ۲- نقض خطیر تعهد بین‌المللی که برای صیانت از حق خودمختاری ملل اهمیت اساسی دارد مانند تعهد مبنی بر منع استقرار یا حفظ سلطه استعماری به زور. ۳- نقض خطیر تعهد بین‌المللی در مقیاسی گسترده که برای صیانت بشر اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد مبنی بر منع بردگی، کشتار دسته جمعی و تبعیض نژادی. ۴- نقض خطیر تعهد بین‌المللی که برای صیانت محیط زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد مبنی بر منع آلودگی وسیع جو، یا دریاها. در بند ۴، اعلام گردیده بود: «هرتخلف بین‌المللی که طبق بند ۲ این ماده جنایت بین‌المللی محسوب نشود، جرم بین‌المللی محسوب می‌گردد». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیشنهادی مذکور صراحتاً بین دو نوع عمل نامشروع جنایت و جرم بین‌المللی قائل به تفکیک گردیده و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در رابطه با هر دو نوع از تخلفات فوق‌الذکر از جمله مسئولیت کیفری دولت‌ها شناسایی نموده بود. جنایت بین‌المللی مربوط به کل جامعه بین‌المللی بوده و به معنای نقض یک تعهد عینی در مقابل کلیه دولت‌ها می‌باشد (ماری دوپویی، ۱۳۶۹: ۴۴۸ و ۴۸۶).

## ۱) ضمانت اجرا در منشور ملل متحد

تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵، که به عنوان یک نمود عینی از توافقات مشترک دولت‌ها در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل است؛ که بشریت بلندترین گام را برای حفظ صلح و امنیت بشر و نظم عمومی جهانی برداشت. برای رسیدن به این هدف، اعضای ملل متحد مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ و در واقع ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل را به‌طور عملی به شورای امنیت نمودند. شورای امنیت به‌منظور انجام این وظیفه، طبق فصل هفتم منشور در صورت احراز تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور به اقدامات غیر نظامی و نظامی برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اقدام خواهد کرد.

ضمانت اجرا در منشور ملل متحد به دو صورت پیش بینی گردیده است. در قدم اول اقدامات غیر نظامی را برای عملی ساختن تصمیمات خود منظور نموده است که این ضمانت اجرا در فصل هفتم منشور ماده ۴۱ آن چنین مقرر گردیده: « شورای امنیت برای عملی ساختن تصمیمات خود می‌تواند تصمیم به اقداماتی که مستلزم به کار گرفتن قوای مسلح نمی‌باشد بگیرد و اعضای ملل متحد را دعوت نماید که آن اقدامات را به موقع عمل گذارند. اقدامات مزبور ممکن است متضمن قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و یا ارتباطی؛ راه آهن، بحری، هوایی، پستی، تلگرافی و سایر وسایل ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی باشد» (منشور ملل متحد: ۴۱). این گونه ضمانت اجرا از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، راجع به کشورهای عضو یا سازمان بین‌المللی، یک نوع ضمانت محدود کننده است که از نظر سیاسی، اقتصادی و ارتباطات بین‌المللی ایجاد محدودیت می‌کند و تأثیر آن بر کشور یا سازمان بین‌المللی متخلف، از نظر سیاسی قرار دادن در انزوای سیاسی و از نظر اقتصادی و روابط بین‌المللی تنگناهای اقتصادی و اجتماعی در سطح بین‌الملل را در پی خواهد داشت.

در صورتی که ضمانت اجرای مذکور در ماده ۴۱ منشور هدف سازمان را تأمین نتواند و یا نسبت به کشور متخلف متناسب نباشد شورای امنیت در گام بعدی تصمیم می‌گیرد که به اقدامات نظامی متوصل شود. زیرا در حقوق بین‌الملل تحت شرایطی استفاده از زور مجاز تلقی می‌گردد. حقوق بین‌الملل، ضمانت اجرایی تدارک دیده که بر رفتار دولت‌ها تأثیرگذار باشد. محاکمه و مجازات جنایت‌کاران جنگی در محاکم کیفری، تعلیق اجرای معاهدات، پیش بینی مجازات‌های اقتصادی و نظامی توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله این ضمانت اجراها است. چنانچه در ماده ۴۲ می‌گوید: «هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش بینی شده در ماده ۴۱ ممکن است نامتناسب بوده و یا در عمل غیرمتناسب بودن آن معلوم گردد می‌تواند بوسیله قوای هوایی یا دریائی و یا زمینی عملیاتی را که برای حفظ یا برقراری صلح و امنیت بین‌الملل لازم بداند انجام دهد.» این عملیات ممکن است شامل مانورهای نظامی و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی دریائی یا زمینی باشد که توسط اعضای ملل متحد انجام می‌گیرد



(مدنی، ۱۳۷۷: ۳۷۸). باید گفت تصمیمات ارکانی مانند شورا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد جنبه سیاسی دارد، لذا با منافع کشورهای بزرگ مرتبط است و همان‌طور که در عمل دیده شده چنان‌چه علیه کشوری تعصب داشته باشند ممکن است از اقدام خودداری کنند (مقتدر، ۱۳۷۳: ۱۲).

## ۲) ضمانت اجرا در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

بسیاری از کشورها یا به عبارتی اکثریت قریب به اتفاق کشورها از عضویت در کنفرانس‌ها و مجامع و سازمان‌های بین‌المللی (مخصوصاً سازمان ملل متحد) برخوردار هستند که صرف حضور کشورها در این مجامع و کنفرانس‌ها سبب شناسایی واقعیتهای به نام حقوق بین‌الملل در روابط فی مابین کشورها می‌گردد. به بیان دیگر عضویت کشورها در این مجامع و کنفرانس‌ها سبب شناسایی حقوق بین‌الملل به‌طور صریح یا ضمنی و ایجاد منافع مشترک و روابط و رعایت ملاحظات حقوق بین‌الملل در روابط آن‌ها می‌گردد. و این پشتوانه قوی برای حقوق بین‌الملل و ضمانت اجرای آن است. امروزه عضویت بسیاری از کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد خود بیان‌گر آنست که کشورها خواهان حقوق بین‌الملل و ضمانت اجرای آن می‌باشند زیرا همان‌طور که بیان شد، امروزه رعایت حقوق بین‌الملل به نفع خود دولت‌ها است زیرا منافع آن‌ها از طریق اقدامات و روابط متقابل تضمین می‌گردد. (آقایی، ۱۳۸۱: ۴). سازمان‌های بین‌المللی که ضمانت‌های اجرایی ویژه و خصوصی‌تری دارند ممکن است که کنترل موثرتری بر اعضای خود اعمال نمایند مخصوصاً اگر این سازمان‌ها نظیر صندوق بین‌المللی پول، خدمات اساسی را ارائه دهند. سازمان‌های منطقه‌ای نیز می‌توانند نظم و انضباط دقیق‌تری بر اعضای خود اعمال نمایند برای مثال، دیوان دادگستری اروپا صلاحیت اجباری بر دولت‌های عضو خود که متهم به نقض قواعد حاکم بر جامعه مشترک اروپا هستند، را دارد. (آکهرست مایکل، ۱۳۷۲: ۲۹).

## ۳) شناسایی حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی کشورها

در اکثر قوانین داخلی کشورها، به ویژه در قوانین اساسی، حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفته است. از سوی دیگر، اجرای حقوق بین‌الملل توسط مراجع قضایی داخلی نیز مؤید شناسایی حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی کشورهاست. در قوانین اساسی بعضی از کشورها حقوق بین‌الملل مافوق قوانین داخلی شناخته شده است مثلاً در قانون اساسی آمریکا، قراردادهایی که آن دولت یکی از طرفین آن می‌باشد به‌عنوان مافوق حقوق داخلی اعلام داشته است. به‌طور کلی می‌توان گفت: اکثر کشورها قواعد حقوق بین‌المللی را چه از نظر رسوم بین‌الملل و چه از لحاظ قراردادهای بین‌المللی مانند قوانین داخلی خویش مراعات می‌نمایند. (گنجی، ۱۳۴۸: ۳۹).

### ۱-۳. وجود منافع مشترک و متقابل کشورها

وجود منافع مشترک از مهم‌ترین ضمانت‌های اجرای حقوق بین‌الملل است که موجب ایجاد وابستگی‌های عدیده کشورها به یکدیگر شده و از این رو در میان خود به وضع قواعد و مقرراتی متناسب با آن‌ها پرداخته

و رعایت آن‌ها را میان خود الزامی می‌نمایند. (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۲۳). در این خصوص لازم‌الرعایه بودن قواعد حقوق بین‌الملل از مراعات اجرای تعهدات طرفین ناشی می‌گردد. (گنجی، ۱۳۴۸: ۴۰).

### ۳-۲. اقدامات متقابل

یکی از مهم‌ترین عواملی که زمینه‌ساز اجرای حقوق بین‌الملل می‌باشد، اقدامات متقابل است. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از: دفاع مشروع، اقدامات مقابله به مثل یا تلافی جویانه و بالاخره معامله متقابل، «چنانچه در حقوق بین‌الملل، طرف متخلف حاضر نشود غرامت بپردازد یا اختلاف را به دادگاه ارجاع کند، طرف دیگر می‌تواند رأساً دست به اقدام بزند. نیروهای مسلح یک کشور ضامن اجرای حقوق بین‌الملل است». (آقایی، پیشین: ۴).

### ۳-۳. ضمانت اجرای دیپلماتی و سیاسی

ضمانت اجرای دیپلماتی مانند قطع یا کاهش روابط دیپلماتیک و کنسولی، احضار مأموران دیپلماتیک و کنسولی و بالاخره لغو روانامه کنسولی کشور متخلف از سوی کشور یا کشورهای پذیرنده، نیز از نوع این ضمانت اجراها می‌باشد. ضمانت اجرای سیاسی که فاقد هرگونه خصیصه حقوقی می‌باشد، می‌تواند شامل منتشر نمودن اسناد و مدارک حاکی از نقض حقوق بین‌الملل، به ویژه از ناحیه کشور قربانی نقض و هم‌چنین اعتراض رسمی کشورها، به ویژه کشور قربانی نقض در مورد تخلف از مقررات حقوق بین‌الملل باشد.

### ۳-۴. ضمانت اجرای اقتصادی

ضمانت اجرای اقتصادی، شامل محاصره اقتصادی یا تحریم ورود برخی از کالاهای کشور متخلف به سایر کشورها و یا تحریم صدور برخی از کالاهای سایر کشورها به آن کشور، ضبط اموال و مسدود ساختن حسابهای یک کشور (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۲۴).

### ۳-۵. ضمانت اجرای افکار عمومی جهانی.

جلب توجه افکار عمومی جهانی در برابر نقض مقررات حقوق بین‌الملل و تأثیر آن در عمل‌کرد کشورها یکی از عواملی است که می‌تواند به‌عنوان یکی از ضمانت اجراهای مهم حقوق بین‌الملل به‌شمار آید. چرا که، امروزه افکار عمومی در سطح جهان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر دولت‌ها نمی‌خواهند در سطح جهان خود را بی‌اعتنا به حقوق بین‌الملل جلوه دهند و این خود نشان‌دهنده اهمیت افکار عمومی است. ظلم، نابرابری، تجاوز، عهد شکنی و زور گویی و لشکرکشی توسط افکار عمومی محکوم می‌گردد و جامعه بشری اکنون از برکت این وجدان، تجاوز و زورگویی را به آسانی از یاد نمی‌برد و روا نمی‌دارد که عاملان آن‌ها بی‌کیفر باقی بمانند. (ضیائی، ۱۳۸۳: ۱۴).

بنابراین، هر حکومتی سعی دارد تا حد امکان از حمایت افکار عمومی در سطح جهان برخوردار باشد. از سوی دیگر این رکن که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل است؛ در دیوان کیفری بین‌المللی هم به‌عنوان ضمانت اجرای مهم و موثر آن شناخته می‌گردد، چه از لحاظ تعهد دولت‌ها

برای همکاری با این نهاد کیفری و چه از لحاظ عدم ارتکاب جرایم بین‌المللی. در واقع کم‌تر دولتی حاضر است با عدم رعایت یا تجاوز به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خود را در معرض انتقاد افکار عمومی در سطح جهان قرار دهد (همان).

### **ج: رابطه ضمانت اجراهای بین‌المللی و اصل شخصی بودن مجازات**

ضمانت اجراهای بین‌المللی همان گونه که از نامش پیداست در سطح بین‌الملل و عمدتاً نسبت به دولت‌ها قابل اجرا است. حقوق جزا که حاکم بر جرایم بین‌المللی و یا ناشی از تخلف از قراردادها و معاهده‌های بین دولت‌هاست، به جهت ایجاد اختلال در نظم بین‌المللی از ناحیه یکی از اعضا یا دولت عضو جامعه بین‌المللی، موجب مسئولیت کیفری آن دولت خواهد شد و لزوماً باید رسیدگی به آن‌ها بر طبق یک قانون بین‌المللی و در محاکم بین‌المللی صورت گیرد. (ولیدی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

اولین باری که ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل مطرح گردید در سال ۱۹۱۰م در داوری مربوط به مسئله ماهیگیری در سواحل اقیانوس اطلس بود. (گنجی، ۱۳۴۸: ۳۹). بعد از جنگ جهانی اول در ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل ضمانت اجرایی برای حقوق بین‌الملل پیش بینی شد که به موجب آن دولت‌های که عضو جامعه ملل بودند مجبور بودند قبل از اقدام به جنگ نکاتی را رعایت نمایند که در صورت تخلف، روابط مالی و تجاری سایر دولت‌های عضو جامعه با دولت متخلف قطع می‌شد و ممکن بود اقدامات نظامی و بحری علیه او صورت گیرد. (کی‌نیا، ۱۳۴۰: ۹). باید دید این ضمانت اجراها با اصل شخصی بودن مجازات که در حقوق داخلی کشورها به صورت یک اصل پذیرفته شده است منافات دارد یا نه؟ قوانین و مقررات مدوئی که در هر کشور با توجه به عوامل گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره و به منظور تنظیم روابط و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم وضع و حاکمیت پیدا می‌کند، اصولاً حافظ و حامی افراد و اتباع آن کشور است و نسبت به اعمال و رفتار مردم آن مملکت، خواه در داخل یا خارج از کشور قابل اعمال است. (همان، ۱۱۲).

اصل شخصی بودن مجازات را نباید با اصل فردی کردن یا شخصی کردن مجازات یکی دانست. اصل فردی کردن مجازات‌ها آن است که دادگاه با استفاده از ابزارهای که قانون در اختیار او گذاشته، اهتمام خود را در رعایت هرچه بیش‌تر عدالت کیفری به کار می‌برد. ابزاری چون اختیار تعیین مجازات بین حد اقل و حد اکثر مجازات تعیین شده در قانون؛ انتخاب یک یا دو و یا سه مجازات از بین مجازات‌های پیش بینی شده در قانون؛ استفاده از کیفیات مخفه؛ کیفیات مشدده؛ مجازات‌های تبدیلی؛ تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط از جمله ابزارهای موجود در اختیار دادگاه برای رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌باشد (مالمیر، ۱۳۸۴: ۱۶). به عبارت دیگر، منظور از اصل فردی کردن مجازات این است که در این فرض، توجه به شخصیت مجرم، جنسیت، سن و شرایط ارتکاب جرم مورد نظر برای تعیین مجازات دانست که نسبت به هر یک از مجرمان تفاوت دارد (نوربها، ۱۳۸۴: ۳۸۰).

اما بر مبنای اصل شخصی بودن مجازات‌ها، تنها محکوم علیه باید به جبران تقصیر خود بار کیفر را تحمل کند. عدالت اقتضا می‌کند که این بار جز بر دوش محکوم علیه بر دوش شخص بی‌گناهی سنگینی نکند. بنابراین، تفاوت این دو اصل در قلمرو حکومت آن‌هاست. قلمرو اصل فردی کردن مجازات در مرحله دادرسی است. حال آن که قلمرو حکومت اصل شخصی بودن مجازات‌ها در مرحله اجرای حکم است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۶۳ و ۶۶ - شمس نازی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۵۵). منظور از اصل شخصی بودن مجازات آن نیست که عواقب و آثار آن به دیگران تسری پیدا نکند، به هر حال مجازات تنبیهی علاوه بر فردی که ضمانت اجرا نسبت به وی اعمال می‌گردد، سایر افرادی که به نوعی به او وابستگی دارند در فرایند مجازات به صورت ناخواسته و غیر مستقیم از اعمال ضمانت اجرا متأثر می‌شوند.

آنچه در ماده ۴۱ منشور به عنوان ضمانت اجرای بین‌المللی مقرر گردیده یک ضمانت اجرای محدود کننده است که کشور یا سازمان بین‌المللی متخلف را از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطات بین‌المللی محدود می‌کند که در تنگناهای اقتصادی و اجتماعی در سطح بین‌المللی قرار می‌دهد که این نوع ضمانت اجرا با اصل شخصی بودن منافات ندارد؛ زیرا ضمانت اجرای که بر اشخاص حقیقی اعمال می‌شود وی را در رفتار اجتماعی محدود می‌کند به گونه‌ای که هر نوع عملی را که با نظم اجتماعی در تضاد و تنافی باشد مجاز به انجام آن نیست. لذا ضمانت اجرای مذکور در ماده ۴۱ با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات ندارد منتهی از نظر مصداق باهم متفاوتند، مصداق ضمانت اجرای بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی، یا به عبارتی اشخاص حقوقی هستند اما مصداق اصل شخصی بودن مجازات اشخاص حقیقی است.

ضمانت اجرای مقرر در ماده ۴۲ که توسط به قدرت نظامی علیه دولت متخلف است در صورتی قابل اعمال است که ضمانت اجرای ماده چهل و یک کار آیی نداشته یا متناسب نبوده است در صورت اعمال این نوع ضمانت اجرا نه تنها دولت یا سازمان بین‌المللی متخلف متضرر می‌گردد بلکه افراد جامعه آن دولت نیز آسیب می‌بینند که به نظر می‌رسد با اصل شخصی بودن مجازات منافات داشته باشد. زیرا این نوع ضمانت اجرا باید تنها علیه دولت متخلف از مقررات بین‌المللی اعمال گردد نه افراد جامعه، اما بر اثر آن افراد جامعه که جرمی را مرتکب نشده اند متضرر می‌شوند. ممکن است گفته شود افراد جامعه دولت متخلف؛ نیز به این دلیل مجازات می‌شوند که خود صلاحیت امور مملکت را به دست چنین دولتمردانی سپرده اند زیرا آنچه دولت عمل نموده به عنوان نماینده جامعه انجام داده است و اگر دولت قابل مجازات است جامعه آن نیز قابل مجازات خواهد بود، یعنی در این رابطه می‌توان از قاعده نیابتی استفاده نمود و آن اینکه چون دولت نماینده ملت و اتباع خود است و هر کاری را که دولت انجام می‌دهد در واقع همان کاری است که اتباع از دولت خواسته است، به همین جهت ملت متأثر از اعمال ضمانت اجرای بین‌المللی به

خاطر نقض حقوق بین‌الملل که توسط دولت صورت می‌گیرد. این استدلال تنها در نظام‌های دموکراتیک که تصمیمات دولتی در ساختار مردم‌سالار شکل می‌گیرد قابل قبول خواهد بود.

سئوالی که پیرامون ضمانت اجرای نظامی مطرح می‌شود این است که آیا این نوع از ضمانت اجراها با اصول بنیادین جامعه جهانی که منشور ملل متحد و سایر قوانین بین‌المللی برای ایجاد صلح و امنیت جهانی پایه ریزی شده است در تناقض و تضاد نیست؟ آیا کاربرد زور و اعمال نیروی نظامی برای پیشگیری از جنگ و حفظ صلح و امنیت جایز است؟ به عبارت دیگر بر فرضی که قاعده نیابتی را بپذیریم که مجازات اتباع بدین لحاظ است که دولت نماینده ملت است و مجازات ملت با اصل شخصی بودن منافات ندارد؛ آیا ماده ۴۲ منشور که ضمانت اجرای نظامی را مد نظر قرار داده با اهداف و مقاصد منشور که حفظ نظم و امنیت جهانی است چگونه سازگاری دارد؟

در پاسخ به سوال فوق می‌توان گفت: «به منظور جلوگیری از ضرر و زیان بیش‌تر و فساد گسترده یک دولت اعمال ضمانت اجرای نظامی با هدف و اصول منشور منافات ندارد، زیرا اعمال نیروی نظامی در ماده ۴۲ منشور به منظور صلح است و آن جنگی که منع شده جنگ تجاوزکارانه و ظالمانه است. بنابراین این اعمال ضمانت اجرای نظامی با نیت برقراری صلح و امنیت و پیش‌گیری از رخداد مفسده جهانی؛ نسل‌کشی یا خطر سلب آسایش انسانهاست.» (خالقی، تقریرات: ۱۳۹۶/۸/۷). به تعبیر دیگر اقدام نظامی علیه دولت متجاوز دارای توجیه قانونی به منظور جلوگیری از جنگ و اعمال غیر قانونی کاربرد زور است لذا نمی‌تواند به عنوان جنگ تجاوزکارانه محسوب شود، گرچه در هر موردی که اقدام بکارگیری نیروی نظامی رخ می‌دهد اما در یک طرف قضیه مجوز قانونی وجود دارد در حالی که طرف دیگر فاقد مجوز قانونی و تجاوزکارانه است، با توجه به اینکه جنگ زیان‌بار است؛ در صورت ضرورت برای جلوگیری از خسارات بیش‌تر و آسیب‌های گسترده‌تر، به حکم ضرورت از جنگ مشروع برای دفع مفسده و زیان بیش‌تر کمک گرفته می‌شود. آنچه در ماده ۴۲ آمده تجاوز نظامی نیست، بلکه تدابیر بازدارنده و اقدام دفاعی به منظور سرکوب کردن متجاوز است. دفاع مشروع در حقوق داخلی کشورها به عنوان یک اصل شناخته شده است که گاهی شخص از خود دفاع می‌کند و گاهی دفاع از دیگری است، در ماده ۴۲ دفاع از جامعه جهانی در قبال تهدید یا نقض صلح است یعنی دفاع در مقابل تجاوز است.

اما ضمانت اجرای سازمان‌های بین‌المللی، به لحاظ منافع مشترک و به نفع خود اعضا است که از طریق روابط و اقدامات متقابل صورت می‌گیرد که پشتوانه مهم برای حقوق بین‌الملل و ضمانت اجرای آن- است که با اصل شخصی بودن مجازات چندان ارتباط ندارد، گرچه اقدامات دولت‌ها علیه یکدیگر تأثیری بر افراد جامعه می‌گذارد منتهی به دلیل این که جامعه از منافع حاصل از عملکرد دولت خود منتفع شده و از آسیب‌های که بر دولت وارد می‌گردد متضرر می‌شود که این امر طبیعی است و با اصل شخصی بودن مجازات مقایسه نمی‌گردد. همه این ضمانت اجرای بین‌المللی دو شرط مهم دارند. نخست اینکه اعمال

ضمانت اجرای بین‌المللی باید به صورت عادلانه اعمال شوند و هر نوع ممنوعیت و محدودیت بین‌المللی باید بصورت بدون تبعیض باشد. زیرا هدف منشور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تأمین همکاری بین‌المللی در حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی و ترویج حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض بر پایه نژاد، جنس، زبان یا مذهب است که اهداف مذکور در اعمال عادلانه ضمانت اجرای بین‌المللی قابل تأمین است. دوم آن‌که اعمال ضمانت اجرای مزبور آلوده به اغراض سیاسی نباشند. منظور آن است که منافع سیاسی کشورهای مختلف به ویژه بلوک بندهای سیاسی در نظام بین‌الملل نتواند در اتخاذ تصمیم یا معافیت هر یک از دول در تحمیل یا تحمل ضمانت اجرای تنبیهی و بازدارنده نفوذ کند، به نحوی که قدرت‌های مهم و تاثیرگذار سیاسی در جامعه بین‌الملل به خصوص دارندگان حق و تو در شورای امنیت در کاربرد ضمانت اجرای مزبور سیاسی کاری نداشته و بر اساس منافع بین‌الملل و جامعه جهانی و نه منافع دسته بندی‌های سیاسی عمل نمایند.

## نتیجه

در روند تحقیق از بررسی ضمانت اجراهای بین‌المللی و بررسی آن‌ها با اصل شخصی بودن مجازات می‌توان به مطالب و نتایج ذیل دست یافت:

۱- ضمانت اجراهای بین‌المللی دارای انواع مختلف‌اند که شامل ضمانت اجراهای مدنی و کیفری می‌گردد، که با توجه به فقدان یک قدرت متمرکز در جامعه بین‌المللی، این اراده تابعان حقوق بین‌الملل است که اساس تعهدات آن‌ها را شکل می‌دهد و تعهدات متقابل اساس ضمانت اجرای آن خواهد بود.

۲- ضمانت اجرای کیفری در حقوق بین‌المللی، در صورتی قابل اعمال است که ضمانت اجرای مدنی کار آیی نداشته یا متناسب نبوده است، که پس از آن با توجه به اثر گذاری نوع مجازات کیفری از سوی جامعه بین‌المللی اقدام می‌گردد. اقدام نظامی از سوی جامعه بین‌المللی علیه عضو متخلف؛ به منظور جلوگیری از ضرر و زیان بیشتر و فساد گسترده دولت متخلف است، که این گونه اقدام نظامی و اعمال ضمانت اجرای نظامی با هدف و اصول منشور نیز منافات ندارد زیرا اعمال نیروی نظامی در ماده ۴۲ منشور به منظور برقراری صلح است و آن جنگی که منع شده جنک ظالمانه است.

۳- ضمانت اجراهای بین‌المللی باید به صورت عادلانه اعمال شود که هر نوع ممنوعیت و محدودیت بین‌المللی در راستای تأمین اهداف منشور ملل متحد باشد که مهم‌ترین هدف آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تأمین همکاری بین‌المللی در حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی و ترویج حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض بر پایه نژاد، جنس، زبان یا مذهب است.

۴- ضمانت اجراهای بین‌المللی محدود کننده که کشور یا سازمان بین‌المللی متخلف را از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطات بین‌المللی محدود می‌کند، این نوع ضمانت اجرا با اصل شخصی بودن منافات ندارد؛ زیرا ضمانت اجرای که بر اشخاص حقیقی اعمال می‌شود نیز وی را در رفتار اجتماعی محدود می‌کند به گونه‌ای که هر نوع عملی را که با نظم اجتماعی در تضاد و تنافی باشد مجاز به انجام آن نیست، منتهی از نظر مصداق باهم تفاوت دارند.

۵- اعمال ضمانت اجرای نظامی علیه دولت متجاوز دارای توجیه قانونی به منظور جلوگیری از جنگ است لذا؛ نمی‌تواند به عنوان جنگ تجاوزکارانه محسوب شود. اعمال ضمانت اجراهای سازمانهای بین‌المللی، به لحاظ منافع مشترک و به نفع خود اعضا است که از طریق روابط و اقدامات متقابل صورت می‌گیرد که پشتوانه مهم برای حقوق بین‌الملل و ضمانت اجرای آن است که با اصل شخصی بودن مجازات ارتباط ندارد.

## فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، لبنان: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

۲. احمد مسلم، القانون الدولي الخاص، قاهره، ۱۹۵۶.
۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۷.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵. آقایی، سید داود، مقصودلو، منوچهر، حقوق بین الملل عمومی، تهران، سنجش، چاپ اول ۱۳۸۱.
۶. آکهرست، مایکل، کلیات نوین حقوق بین الملل، انتشار جهان معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۷. باقرزاده، محمد رضا، ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۹. خالقی ابوالفتح، جزوه درسی، حقوق کیفری بین المللی، مقطع دکتری، تاریخ ۷/ ۸/ ۱۳۹۶.
۱۰. دلخوش، علیرضا، مقابله با جرائم بین المللی، تهران: شهردانش، ۱۳۹۰.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۲. ساکت، محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۱۳. ساکی، محمد رضا، دوره مقدماتی حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، مجد، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.
۱۵. شمس، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۶. صفایی حسین، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، تهران، سمت، ۱۳۸۴ش.
۱۷. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ بیستم، ۱۳۸۳.
۱۸. علیرضا دلخوش مقابله با جرائم بین المللی تعهد دولت ها به هم کاری، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین المللی، مترجم: حسین پیران و هم کاران، تهران: جنگل، ۱۳۸۷.
۲۱. کی نیا، مهدی، مقدمه حقوق بین الملل عمومی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۰.
۲۲. گنجی، منوچهر، حقوق بین الملل عمومی، تهران، چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸.
۲۳. ماری دوپویی، پیر، «ملاحظاتی پیرامون جرم بین المللی دولت»، ۱۳۶۹، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوق بین الملل عمومی، ش ۱۳.
۲۴. مالمیر، محمود، حقوق جزای عمومی، اصفهان، مانا، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۵. مجتهدی، محمدرضا، مطالعات حقوق بین الملل عمومی، تهران، فروزش، چاپ اول ۱۳۸۱.
۲۶. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش جزایی، تهران: نشر علوم اسلامی، چاپ ۲۵، ۱۳۹۱.
۲۷. مدنی، سید جلال الدین، حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران، پایدار، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲۸. \_\_\_\_\_، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، سمت، ج ۱، ۱۳۷۸.
۲۹. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۳۰. \_\_\_\_\_، سمت، ۱۳۸۳.
۳۱. موسی زاده، رضا، کلیات حقوق بین الملل عمومی، تهران، وزارت امور خارجه، ج ۱، ۱۳۷۶.
۳۲. \_\_\_\_\_، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران، میزان، ج ۱، ۱۳۸۳.
۳۳. نبیل، ابراهیم سعد، مبادئ القانون: نظریة الالتزامات، بیروت، ۱۹۹۵.



۳۴. نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴.
۳۵. واسطی، زبیدی، حسینی، تاج العروس، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۶. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۳۷. اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، مصوب ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸.
۳۸. منشور ملل متحد، مصوب ۱۹۴۵م.
۳۹. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
۴۰. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ایران، مصوب ۱۳۷۸.
۴۱. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.